

## نقد متنی و محتوایی احادیث و نقش آن در توثیق و تضعیف روایان

علی اکبر خدّامیان آرانی\*

### چکیده

حدیث به عنوان یکی از منابع معارف اسلامی در سیر تاریخی خویش، متحمل آسیب‌هایی شده که در اعتبار آن اثرگذار است. نقد روایات از حیث سند، منبع، متن و محتوا، برای مقابله با این آفت‌ها و تامین اعتبار متون حدیثی لازم است. نقد محتوایی از زمان معصومان علیهم السلام با عرضه حدیث به قرآن و سنت آغاز شد. از مطالعه آثار رجالی برمی‌آید که یکی از مستندات رجال‌نویسان در توثیق و تضعیف روایان، نقد محتوایی روایات آنها بوده است. اگر این فرضیه اثبات شود، یکی از مبانی دانش رجال که حسی بودن توثیقات و تضعیفات است، دستخوش تغییر می‌گردد. این مقاله تلاش دارد با کشف عباراتی از رجالیان که بر نقد متنی و محتوایی دلالت دارد این دیدگاه را اثبات کند. این پژوهش توانسته نگاهی متفاوت به دانش رجال فراروی مخاطبان قرار داده و زمینه گسترش دامنه این دانش را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: نقد متنی حدیث، نقد محتوایی حدیث، جرح و تعدیل، اجتهاد در رجال، دانش رجال، علوم حدیث.

### پیشگفتار

حدیث بیشترین و گسترده‌ترین نقش را در رساندن شریعت و معارف دینی دارد. زیرا عقل به بسیاری از امور دسترسی نداشته و قرآن نیز تفسیر و تفصیل جزئیات فراوانی را به عهده سنت گذاشته و حدیث، حکایت‌گر است.

---

\* مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم (noorehadith@gmail.com).

نخستین گام در اعتماد به حدیث، اطمینان یافتن از صدور آن است. وقتی قرن‌ها از صدور احادیث گذشته و راویان، فرد به فرد و نسل به نسل این متون را نقل کرده‌اند، آگاهی از احوال راویان یکی از راه‌های اعتبارسنجی حدیث خواهد بود. این وظیفه به عهده دانش رجال است؛ دانشی که می‌تواند ما را از اوضاع روحی، فکری و انضباط عملی راویان آگاه سازد. جرح و تعدیل به عنوان یکی از شاخه‌های دانش رجال، بر اساس اطلاعات موجود از راویان، قضاوت نهایی را درباره آنها ارائه می‌کند.

پرسش اصلی این است که دانشمندان رجالی، اطلاعات راویان را از کجا به دست آورده و بر اساس کدام مبانی راویان را توثیق یا تضعیف کرده‌اند؟ آیا قدامت علاوه بر روش‌های مشهور بیان‌شده از سوی متأخران<sup>۱</sup> روش‌های دیگری هم برای ارزیابی راویان داشته‌اند؟

ضرورت بحث از این رو است که در صورت اثبات راه‌هایی غیر از طرق بیان شده، راه اجتهاد در مباحث رجالی باز شده و می‌توان همچون صاحبان اصول رجالی که با توجه به روایات راویان، آنان را جرح و تعدیل می‌نمودند، امروزه نیز با توجه به متون روایی راویان، آنان را توثیق و تضعیف نمود. فایده این امر، آن است که در صورت اثبات چنین راهی، بسیاری از روایانی که در کتب رجالی ما توثیق و تضعیف ندارند و یا اصلاً نامشان ذکر نشده است، دارای توصیفات قابل توجهی خواهند شد، علاوه بر اینکه وثاقت و ضعف برخی راویان مذکور در کتب رجالی نیز دستخوش تغییر خواهد گشت.

با مطالعه آثار علمای رجالی و دقت در عبارات آنها، استفاده از این روش به وضوح به چشم می‌خورد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

در این موضوع، کتاب یا مقاله‌ای یافت نشد و این نوشتار، پژوهشی نو در این عرصه است.<sup>۲</sup> البته باید به مباحثی که مرتبط به آن هستند اشاره کرد از جمله بعضی مطالب بیان شده در دروس خارج و جزوات درسی آیه الله شبیری زنجانی و آیه الله مددی که به صورت مستقل و بدون چاپ نشده است.

---

<sup>۱</sup> . ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۴۲-۴۵. (مانند: مراجعه به کتب رجالی‌ای که در دست داشته‌اند و انتساب آن به نویسندگان ثابت بوده است؛ سماع و نقل چهره به چهره از اساتید؛ اعتماد به شهرت و استفاضه‌ای که در بین اصحاب موجود بوده است.)

در این پژوهش ابتدا به ضرورت نقد روایات و سپس به روش‌های آن پرداخته می‌شود. آنگاه جایگاه نقد متنی و محتوایی احادیث تبیین می‌گردد و در پایان، عبارات دالّ بر این روش نقد، در ساختاری نو و کاربردی مورد توجه قرار می‌گیرد.

## الف) ضرورت‌های نقد روایات

نقد در لغت، جداسازی خوب از بد، سنجش، ارزیابی و آشکار ساختن عیب‌ها و زیبایی‌هاست.<sup>۳</sup> بر این اساس، نقد حدیث عبارت است از: «بازشناخت آسیب‌های سندی و متنی روایات و پیراسته‌سازی آنها از آن آسیب‌ها بر اساس روش‌ها و معیارهای پذیرفته‌شده، به منظور هموار ساختن زمینه عمل و اعتقاد به روایات.»<sup>۴</sup>

لازم به ذکر است که واژه نقد، الزاماً به معنای انتقاد منفی و عاملی در ردّ و تضعیف احادیث نیست؛ بلکه مراد از نقد، ارزیابی و بررسی علمی متون روایی برای اثبات صحّت و یا عدم صحّت انتساب آن به معصوم علیه السلام، اثبات حجیت و یا عدم حجیت آن و نیز بررسی چگونگی دلالت متن حدیث و کشف مراد واقعی معصوم علیه السلام از آن است.

ضرورت نقد حدیث را با توجه به سه نکته می‌توان اثبات کرد:

### ۱. اهمیت حدیث

حدیث، سازنده باورها و زیربنای حقوق، احکام و معارف دینی است. حدیث آنقدر ارزشمند است که در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله، راویان احادیث از خلفای ایشان شمرده شده و پیامبر برای آنها طلب رحمت نموده است.<sup>۵</sup> وقتی راویان احادیث دارای چنین مقامی باشند، پس خود حدیث که سخن معصوم علیه السلام است دارای اهمیت و ارزشی وصف‌ناپذیر است. از طرفی هر چیزی که ارزشمند باشد، انگیزه تقلّب در آن زیاد است. از همین رو

۲. طرح اولیه این پژوهش از استاد بزرگوار، فاضل حوزوی جناب آقای سید علی‌رضا حسینی شیرازی (زیدت توفیقانه) است.

۳. رک: معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۶۷؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۶۲۰.

۴. روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۴۷.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰.

حدیث نیز نیازمند دقت و تأمل است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما اهل بیتی راستگو هستیم که هیچ‌گاه از دروغ‌گویی که بر ما افترا می‌بندند در امان نبوده‌ایم. دروغ‌گویی آنان سبب می‌شد که واقع‌نمایی گفتار ما نزد مردم، بی‌ارزش شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله راستگوترین فرد روی زمین بود و مسیلمه دروغ‌هایی به ایشان نسبت می‌داد. امیرمؤمنان علیه السلام صادق‌ترین آفریده خداوند پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و عبدالله بن سبا که خدا لعنتش کند به دروغ سخنانی به ایشان نسبت می‌داد و با این افتراها، سخنان ایشان را بی‌ارزش جلوه می‌داد.»<sup>۶</sup>

این روایت، ضرورت نقد حدیث را بیان می‌کند، چرا که به فرموده ایشان، وجود روایات ضعیف و دروغ به دیگر احادیث نیز ضرر زده و آنها را بی‌ارزش می‌کند؛ لذا لازم است که احادیث نقد شود تا صحیح و سقیم آن تشخیص داده شده و ارزش روایات صحیح روشن گردد.

## ۲. ورود انواع آسیب‌ها به روایات

در پی صدور و نشر احادیث پیامبر و ائمه علیهم السلام، آسیب‌هایی دامنگیر روایات شد که برخی، عمدی و بعضی طبیعی و سهوی بود. اعتماد مسلمانان به سنت پیامبر و معصومان علیهم السلام عده‌ای را وسوسه کرد که به جعل حدیث یا تحریف آن بپردازند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای مردم، دروغ‌زنان بر من زیاد شده‌اند؛ هر کس بر من متعمدانه دروغ بدهد جایگاهش آتش خواهد بود.»<sup>۷</sup> در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدا، مغیره بن سعید را لعنت کند که روایاتی را در کتب اصحاب پدرم گنجانید در حالی که پدرم آنها را نفرموده بود.»<sup>۸</sup> این گزارش‌ها و مشابهاات آن، بر وجود تحریفاتی در روایات، دلالت می‌کند.

همچنین در پی مکتوب کردن روایات و استنساخ مکرر آن با توجه به امکانات نگارش و میزان توانایی مستنسخان، به طور طبیعی تصحیفات و اشکالاتی در متن حدیث به وجود آمد.

<sup>۶</sup>. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۰۵.

<sup>۷</sup>. الکافی، ج ۱، ص ۶۲.

<sup>۸</sup>. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۲۴.

وجود روایات تقیه‌ای هم آسیب دیگری است که دامنگیر احادیث شد. امامان علیهم السلام برای حفظ جان خود و شیعیان و حفظ اصل دین و ایمان در برابر برخی از قدرت‌مندان، مواضع گوناگونی در پیش می‌گرفتند؛ مثلاً گاهی در بیان مطالب، خلاف اعتقاد خود را بازگو می‌کردند، یا سکوت می‌نمودند و یا مطابق عقیده پرسشگران پاسخ می‌گفتند. این‌گونه روایات در مجموعه‌های روایی وارد شد و علما قرائنی برای شناسایی آن تبیین کردند.<sup>۹</sup>

به عنوان نمونه، شیخ طوسی روایتی از امام صادق علیه السلام در تهذیب الاحکام نقل کرده که بر صحت ذکر «آمین» بعد از اتمام سوره حمد دلالت دارد و شیخ طوسی آن را حمل بر تقیه می‌کند.<sup>۱۰</sup>

وجود مجموعه‌ای از این آفت‌ها، ضرورت آفت‌زدایی و نقد را اثبات می‌کند؛ زیرا اگر روایات نقد نشوند، ممکن است پیامدهایی دامنگیر احادیث بشود.

### ۳. سیره عقلا، اصحاب ائمه و عالمان پس از ایشان

مراد از سیره عقلا، رفتار بیرونی عرف عقلا بدون در نظر گرفتن ملیت، فرهنگ، مذهب و یا هر وجه تمایز دیگری است.<sup>۱۱</sup> وجود عملکردی واحد از سوی عقلا، گویای این نکته است که آنها دارای یک حس مشترک، نهاد ناخودآگاه و رفتار فطری هستند که در گذشته نیز چنین رفتاری داشته‌اند. اگر این رفتار ناصحیح بود، باید مورد تذکر معصومان علیهم السلام قرار می‌گرفت.

عقلا در پذیرش گزارش‌های دیگران، ابتدا آن را نقد و ارزیابی کرده - و لو اجمالی و به سرعت - و سپس به اندازه ارزش خبر برای آن اهمیت قائل می‌شوند. دانشمندان شیعی نیز از عصر حضور ائمه علیهم السلام تاکنون، به نقد روایات پرداخته‌اند.<sup>۱۲</sup>

۹. ر.ک: نقش تقیه در استنباط احکام شرعی، تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی.

۱۰. تهذیب الاحکام، ج ۲، ۷۵.

۱۱. معجم المصطلحات الاصولیة، ص ۹۳؛ معجم مصطلح الاصول، ص ۱۶۹.

۱۲. ر.ک: منطق فهم حدیث، ص ۵۵۹ تا آخر.

به عنوان نمونه می‌توان به روایات سی روزه بودن ماه رمضان اشاره کرد که مرحوم کلینی در *الکافی*<sup>۱۳</sup> و شیخ صدوق در *من لایحضره الفقیه*<sup>۱۴</sup> نقل کرده‌اند، در حالی که معظم اصحاب بر خلاف آن عمل نموده و به نقد آن پرداخته و رساله‌های متعددی درباره آن نگاشته‌اند.<sup>۱۵</sup>

با توجه به همین ضرورت‌ها که حدیث بعد از قرآن، بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین منبع معارف و احکام دین است و از طرفی انواع آسیب‌ها دامنگیر روایات شده است و سیره عقلا، اصحاب و عالمان، نقد و بررسی احادیث بوده است، به این نکته پی برده می‌شود که سنجش و ارزیابی احادیث و شناخت آسیب‌های دامنگیر آن، امری لازم است و زمینه عمل و اعتقاد به احادیث را فراهم می‌کند.

## ب) روش‌های نقد روایات

برای نقد روایات، دو روش کلی وجود دارد. هر یک از این روش‌ها دلایل و طرفدارانی دارد. این دو مسلک عبارت است از:

### ۱. مسلک وثوق سندی

در این مسلک، صحت و اعتبار روایت فقط بر اساس اعتبار سند و اثبات وثاقت راویان آن ثابت می‌شود؛ بدین معنا که تک تک راویان سلسله سند بررسی شده و اگر همه آنها موثق و دوازده امامی باشند، روایت، صحیح خواهد بود. حال اگر برخی از راویان، توثیق صریحی در کتاب‌های رجال نداشته باشند، روایت، حسنه است و اگر برخی از آنها دوازده امامی نباشند، روایت، موثق است. اگر برخی از راویان، در کتاب‌های رجال تضعیف شده باشند، روایت، ضعیف خواهد بود.<sup>۱۶</sup>

۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۷۸ و ۷۹.

۱۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶۹.

۱۵. مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۲۳۲؛ الوافی، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

۱۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۹-۴۵.

کسانی که طرفدار وثوق سندی هستند معتقدند که قرائن خارجی مثل شهرت عملی و روایی و غیر اینها باعث اعتبار روایت نمی‌شود، بلکه روایت، فقط زمانی معتبر خواهد بود که سند آن معتبر باشد.<sup>۱۷</sup>

طرفداران این روش، ادله متعددی را مستند کار خود دانسته‌اند. آنها به قرآن استدلال می‌کنند که نمی‌توان به خبر هر کسی اعتماد کرد، بلکه بر اساس آیاتی مثل آیه نبأ<sup>۱۸</sup> خبرِ ثقه حجیت دارد و برای شناخت ثقه از غیر ثقه باید راهکار رجالی و سندی پیموده شود. استدلال دیگر این گروه، دستور ائمه علیهم السلام به بهره‌گیری از صفات راوی در ترجیح اخبار متعارض است. ائمه علیهم السلام در اخبار علاجیه برای حلّ مشکل تعارض در اخبار و ترجیح یکی بر دیگری، دستور داده‌اند که به صفات راوی مراجعه شود.<sup>۱۹</sup> تنها راه احراز این صفات، مراجعه به دانش رجال است.

خود ائمه علیهم السلام نیز به توثیق و تضعیف افراد پرداخته‌اند. مثلاً در روایتی آمده که شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: «أَفِيؤنُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ثِقَّةٌ أَخَذُ عَنْهُ مَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي؟ فَقَالَ: نَعَمْ؛ أَيَا يُونُسَ بْنَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ مَعْتَمَدٌ اسْتِ تَا مَعَارِفِ دِينِي مَوْرَدُ نِيَا رَا اَزَاوُ فَرَا كَبِرْمُ؟ حَضْرَتُ فَرَمُودَنْدُ: بَلَه.»<sup>۲۰</sup> بر همین اساس، می‌توان گفت عالمان و بزرگان شیعه علاوه بر راه‌های دیگر ارزیابی راویان، از این شیوه نیز استفاده نموده و به توثیق و تضعیف راویان پرداخته‌اند.<sup>۲۱</sup>

## ۲. مسلک وثوق صدور

در این مسلک، ملاک اعتبار خبر، تنها وثوق به سند نیست؛ بلکه ملاک، اطمینان به صدور خبر از معصوم علیه السلام است. برای اعتماد به صدور حدیث از معصومان علیهم السلام شواهدی وجود دارد که این شواهد، گاهی سند

<sup>۱۷</sup> . از قائلان به این مسلک می‌توان به آیه‌الله خوبی اشاره کرد. همان؛ مصباح الأصول، ج ۲، ص ۲۰۰.

<sup>۱۸</sup> . «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحِّبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.» (حجرات، آیه ۶)

<sup>۱۹</sup> . رک: الکافی، ج ۱، ص ۶۸.

<sup>۲۰</sup> . اختیار معرفة الرجال، ص ۴۹۰.

<sup>۲۱</sup> . رک: العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۳۶۶.

است، گاهی علو متن، شهرت و... و گاهی مجموعه‌ای از اینها. طبق این مبنا ممکن است حدیثی توسط راوی غیر ثقه نقل شده و یا مرسله باشد، ولی با قرائنی، اطمینان پیدا شود که از معصوم علیه السلام صادر شده است.<sup>۲۲</sup>

یکی از قرائن مهم در مسلک وثوق صدوری، اعتماد به منبع حدیث است. قائلان به این مسلک معتقدند به خبری می‌توان اعتماد کرد که در کتب مشهوره ذکر شده باشد و قدمای اصحاب، آن کتب را به طریق قابل اعتماد، تحمل کرده باشند. پیش فرض این مبنا آن است که حدیث شیعه غالباً مکتوب بوده و اصحاب ما در طبقه اول، این کتب را از مؤلفش تحمل می‌کردند و سپس طبقه به طبقه آن را نقل می‌نمودند. به همین جهت، دانشمندان به تألیف کتاب‌های فهارس پرداختند و اسامی کتب اصحاب و طریق به آنها را ذکر کردند. قداماً مصر بودند که طریق مطمئنی به کتب حدیثی داشته باشند و به کتبی که از طریق وجاده<sup>۲۳</sup> به آنها رسیده بود اعتماد نمی‌کردند و فهارس را بر همین اساس می‌نگاشتند.<sup>۲۴</sup>

طبق این مبنا ممکن است یک راوی، دارای وثاقتِ مصطلح نباشد، اما اصحاب به روایات یک کتاب خاص از او اعتماد کرده باشند مانند طلحة بن زید<sup>۲۵</sup>. همچنین ممکن است روایات یک راوی در یک کتاب مقبول باشد، هرچند خودش مورد اعتماد کامل نباشد؛ مانند روایات نوفلی از کتاب سکونی که مورد قبول واقع می‌شود<sup>۲۶</sup> در حالی که نوفلی وثاقت صریحی ندارد و متهم به غلو شده است.<sup>۲۷</sup>

### ج) نقد متنی و محتوایی و جایگاه آن در مسلک وثوق صدوری

<sup>۲۲</sup> . معجم رجال الحديث، ج ۱ ص ۴۷-۷۸.

<sup>۲۳</sup> . وجاده یکی از طرق تحمل حدیث است که عبارت است از اینکه شخصی، حدیث یا کتاب حدیثی را که متعلق به یکی از مشایخ و به خط اوست بیاید ولی حدیث را از او نشنیده و اجازه نقلی هم از او نداشته باشد. الرعاية فی علم الدراية، ص ۲۹۷.

<sup>۲۴</sup> . آداب امیرالمؤمنین علیه السلام المشهور بحديث الاربعاء، ص ۸-۱۲؛ وبسایت دروس آیه‌الله مددی: [www.dorous.ir](http://www.dorous.ir)

<sup>۲۵</sup> . رجال النجاشی، ص ۲۰۸؛ فهرست الطوسی، ص ۲۵۶.

<sup>۲۶</sup> . رک: عده الأصول، ج ۱، ص ۳۶۶.

<sup>۲۷</sup> . رجال النجاشی، ص ۳۸.



نقد متن به معنای بررسی سلامت ظاهری کلمات و ترکیبات است و نقد محتوا، بررسی مضمون و مفهوم کلام است. هر دو نوع نقد، دارای معیارها و روش‌هایی است.

نقد متنی و محتوایی روایت، از راه‌کارهای بررسی حدیث توسط طرفداران مسلک وثوق صدوری است. در این مسلک وقتی از یکسو روایت با معیارها همخوانی داشته باشد و اشکالی در آن نباشد و از سوی دیگر دارای قرائن صدور باشد، حکم به اعتبار آن می‌شود؛ ولی اگر اینگونه نباشد، حدیث، ضعیف خوانده می‌شود.

در نقد متنی و محتوایی روایات، اگر مضمون حدیث، موافق با معیارها باشد مورد پذیرش قرار می‌گیرد هرچند که راوی آن ضعیف یا فاسق باشد، و اگر مضمون حدیث، موافق با معیارها نباشد مورد پذیرش نیست هرچند که راوی آن ثقة باشد؛ که البته این مطلب بسیار مهم در حدیثی از امام صادق علیه السلام منعکس شده است: «به هر روایتی که موافق قرآن باشد عمل کن خواه راوی آن نیکوکار باشد یا بدکار، و به هر روایتی که مخالف قرآن باشد عمل نکن، خواه راوی آن نیکوکار باشد یا بدکار.»<sup>۲۸</sup>

تعریفی که از حدیث صحیح نزد عالمان شیعی از آغاز تا دوران علامه حلی (م ۷۲۶) یا سید ابن طاووس (م ۶۶۴) که آغاز دوره متأخران برشمرده می‌شود وجود داشته، سراسر ناظر بر متن و محتوای روایات بوده است.<sup>۲۹</sup> بر آن اساس آنان تنها احادیثی که محفوف به قرائن و موافق با معیارها بوده را صحیح می‌انگاشتند و همه یا اکثر این معیارها همچون موافقت با قرآن، سنت، اجماع، مخالفت با عامه و وجود روایت در اصول اربعه، به متن روایات ناظر است. واضح است که با نبود هر یک از این معیارها، روایات ضعیف شمرده می‌شده که مفهوم آن، نقد روایات بر اساس متن و محتوای آنهاست.

در این بخش معیارهای نقد متنی و محتوایی احادیث بیان شده و تعابیر دالّ بر آن که در کتب رجالی به کار رفته، معرفی می‌گردد.

---

۲۸. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹.

۲۹. مشرق الشمسین، ص ۲۶۹.

## ۱. معیارهای نقد متنی و محتوایی

نقد، نیازمند ملاک است. در برشمردن معیارهای نقد متنی و محتوایی روایات، میان صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در این نوشتار معیارهایی بیان می‌شود که ادله قطعی بر «ملاک بودن» آن وجود دارد و مورد اتفاق مشهور صاحب‌نظران است.

### ۱.۱. قرآن

عرضه احادیث بر قرآن، معتبرترین معیاری است که می‌توان برای بازشناخت روایات ضعیف و مجعول مورد استفاده قرار داد. قرآن از هرگونه وضع، تدلیس و تحریف در امان بوده و تناقضی در آن راه ندارد. کلام پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از وحی سرچشمه گرفته<sup>۳۰</sup> و کلام ائمه علیهم السلام متصل به کلام پیامبر صلی الله علیه و آله است.<sup>۳۱</sup> خود معصومان علیهم السلام، قرآن را معیار سنجش سخنان منسوب به خود دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «ای مردم، بدانید که آنچه از من به دست شما برسد و موافق کتاب خدا باشد، آن را من گفته‌ام و آنچه به دست شما برسد و مخالف کتاب خدا باشد، من آن را نگفته‌ام.»<sup>۳۲</sup>

---

<sup>۳۰</sup>. «ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، آیه ۳-۴). (این سخن تنها در مورد آیات قرآن نیست، بلکه به قرینه آیات قبلش، سنت پیامبر را نیز شامل می‌شود که آنها بر طبق وحی الهی است، چرا که این آیه با صراحت می‌گوید: او از روی هوی سخن نمی‌گوید و هر چه می‌گوید وحی است. حدیث جالب زیر یکی از شواهد این مدعا است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دادند تمام درهای خانه‌هایی که به داخل مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله گشوده می‌شد (جز در خانه علی علیه السلام) بسته شود، این امر بر مسلمانان گران آمد تا آنجا که حمزه عموی پیامبر از این کار گله کرد که چگونه در خانه عمویت و ابوبکر و عمر و عباس را بستنی، اما در خانه پسر عمویت را باز گذاردی و او را بر دیگران ترجیح دادی؟ هنگامی که پیامبر متوجه شد که این امر بر آنها گران آمده است مردم را به مسجد دعوت فرمود و خطبه بی‌ظنیری در تمجید و توحید خداوند ایراد کرد، سپس افزود: ای مردم! من شخصاً درها را نبستم و نگشودم و من شما را از مسجد بیرون نکردم، و علی را ساکن نمودم [آنچه بود وحی الهی و فرمان خدا بود] سپس آن آیات را تلاوت کردند. (مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۶؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۱۲؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۲۲)

<sup>۳۱</sup>. عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (الكافي، ج ۱، ص ۵۳)

<sup>۳۲</sup>. الكافي، ج ۱، ص ۶۹.

نمونه‌های متعددی برای نقد روایات با معیار قرآن وجود دارد از جمله، نقد روایات نکوهش و اتهام دروغگویی به حضرت ابراهیم علیه السلام که در صحیح بخاری<sup>۳۳</sup> و صحیح مسلم<sup>۳۴</sup> نقل شده و با آیه «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّهٗ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا»<sup>۳۵</sup> در این کتاب، ابراهیم را یاد کن که او بسیار راستگو و پیامبر (خدا) بود» منافات دارد.

همچنین روایات سحر شدن پیامبر صلی الله علیه و آله که در مجامع روایی اهل سنت وارد شده<sup>۳۶</sup> که مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان بعد از نقل، آن را نقد نموده و رد می‌کند.<sup>۳۷</sup>

## ۱،۲. سنّت

دومین معیاری که در نقد روایات از آن استفاده می‌شود، سنّت است. سنّت در اصطلاح محدثان قول، فعل و تقریر معصوم است.<sup>۳۸</sup> راه رسیدن به سنّت، حدیث است. مراد از معیار بودن سنّت در نقد حدیث آن است که احادیث قطعی الصدور، معیار برای سنجش روایات دیگر باشد.

معیار بودن سنّت با آیات قرآن قابل اثبات است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ»<sup>۳۹</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.»<sup>۴۰</sup> و در جایی دیگر فرموده: «وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ

۳۳. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۱.

۳۴. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۹۸.

۳۵. مریم، آیه ۴۱.

۳۶. مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۵۰؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۶۸ و ج ۷، ص ۲۹؛ و... .

۳۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۶۵.

۳۸. رک: مقیاس الهدایة، ج ۱، ص ۵۹.

۳۹. نساء، آیه ۵۹.

۴۰. ترجمه آیات قرآن در این نوشتار، مطابق ترجمه آیه الله مکارم می باشد.

لَعَلَّمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ؛<sup>۴۱</sup> در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد.»

بر اساس این آیات، آنچه از ناحیه پیامبر و امامان علیهم السلام که مصداق اولی الامر هستند<sup>۴۲</sup> صادر شود حجیت دارد و معیار سنجش سایر امور نیز هست.

خود ائمه علیهم السلام نیز احادیث قطعی الصدور را معیاری برای سنجش جملات منسوب به خودشان دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حدیث ما را قبول نکنید مگر اینکه موافق با قرآن و سنت باشد و یا شاهی از احادیث دیگر ما بر آن پیدا کنید.»<sup>۴۳</sup>

ممنوعیت گریه و مرثیه‌سرایی بر میت که در کتب روایی عامه نقل شده است،<sup>۴۴</sup> از جمله مواردی است که با معیار سنت نقد می‌شود.<sup>۴۵</sup>

### ۱،۳. ضروریات دین و مذهب

برخی از آموزه‌های دینی، انتسابشان به دین یا مذهب، قطعی است و نمایانگر واقعیت دین یا مذهب هستند مانند توحید، نبوت، معاد، نماز، روزه و... که از ضروریات دین بوده و امامت، تقیه، رجعت و... که ضروری مذهب تشیع است.<sup>۴۶</sup> این ضروریات از پشتوانه‌های عقلی، قرآنی و حدیثی برخوردارند و می‌توانند معیار سنجش سایر گزاره‌های منتسب به دین باشند. مانند روایات ناظر به نکوهش ملیت‌ها و بعضی نژادها که با آیات قرآن و روایات دیگر قابل نقد است.<sup>۴۷</sup>

۴۱. نساء، آیه ۸۳.

۴۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۶۰.

۴۳. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۲۴.

۴۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۵۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۷.

۴۵. الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية، ص ۵۵۱ و ۶۱۴.

۴۶. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۲۴ و ۲۲۴ و ۶۳۲؛ الشهاب الناقب، ص ۷۳.

۴۷. ر.ک: روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۴۴۶-۴۶۴.

چهارمین موردی که در نقد روایات می‌تواند معیار باشد، عقل است. قرآن از جایگاه عقل با واژه‌هایی همچون تعقل، تفکر، تدبیر و لبّ ستایش کرده است و از مردم خواسته که تفکر کنند و عقل خود را به کار ببندند.<sup>۴۸</sup> در روایات هم از عقل به عنوان حجّت باطنی یاد شده<sup>۴۹</sup> و بر جایگاه رفیع آن در شناخت حق و باطل تأکید شده است.<sup>۵۰</sup>

با توجه به آیات و روایات متعددی که درباره عقل وجود دارد و عقل، حجّت باطنی شمرده شده و اهل بیت علیهم السلام حجّت ظاهری، تعارض بین این دو حجّت معنی نخواهد داشت. بنابراین از احکام قطعی عقل می‌توان برای سنجش گزاره‌های منتسب به اهل بیت علیهم السلام بهره گرفت.

البته روشن است که مراد از عقل، عقل سلیم، فطری و خدادادی است که در وجود نوع افراد بشر قرار داده شده است. بنابراین نمی‌توان با استناد به بحث‌های دقیق و عمیق فلسفی و به دست آوردن نتایج و آثاری خاص، به نقد و بررسی احادیث پرداخت.<sup>۵۱</sup>

روایات تجسیم خداوند<sup>۵۲</sup>، مکان داشتن خداوند<sup>۵۳</sup>، کور کردن چشم عزرائیل توسط حضرت موسی علیه السلام<sup>۵۴</sup> و... از این جمله هستند که با معیار عقل، نقد می‌شوند.

## ۱،۵ . قطعیات حاصل از حسّ، تجربه و تاریخ

<sup>۴۸</sup> بقره، آیه ۷۳، ۱۶۴، ۲۱۹، ۲۴۲، ۲۶۶؛ آل عمران، آیه ۷؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ رعد، آیه ۴ و ۱۹؛ نحل، آیه ۱۲ و ۶۷؛ عنکبوت، آیه ۳۵؛ ابراهیم، آیه ۵۲؛ زمر، آیه ۹ و ۱۸، و...

<sup>۴۹</sup> «عن الكاظم عليه السلام: ... يا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَنْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (الكافی، ج ۱، ص ۱۶)

<sup>۵۰</sup> ر.ک: همان، ص ۱۳.

<sup>۵۱</sup> منطق فهم حدیث، ص ۶۳۵.

<sup>۵۲</sup> صحیح البخاری، ج ۶، ص ۷۲.

<sup>۵۳</sup> صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵.

<sup>۵۴</sup> مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۶۹؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۹۲؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۰۰.

از جمله معیارهای نقد حدیث، قطعیات حاصل از حسّ و تجربه است که احتمال خطا ندارد. فلسفه اعتبار این معیار آن است که تناقض و اختلاف تباینی میان آموزه‌های قطعی دین با حواس و تجربیات قطعی محال است، زیرا دین و علم با فرض قطعیتش، هر دو حجّت خدا هستند و تناقض میان دو حجّت امکان ندارد. مسلمات تاریخی نیز از همین دست است. تاریخ، حکایتگر وقایع خارجی است که عده قابل اعتنایی آن را دیده و نقل کرده‌اند<sup>۵۵</sup> و نمی‌توان به گزارشی که با چنین قطعیات و مسلماتی، اختلاف و تعارض مستقر دارد به دیده حدیث صادر شده از معصومان علیهم السلام نگریست؛ زیرا در کار معصومان علیهم السلام خطا راه ندارد و آنان بهتر از هر کسی با قطعیات و مسلمات آشنایی دارند. به عنوان نمونه می‌توان به روایت بیعت امام سجاد علیه السلام با یزید<sup>۵۶</sup> اشاره نمود که علامه مجلسی آن را به خاطر عدم تطابق با متون تاریخی ردّ نموده است.<sup>۵۷</sup>

#### ۱،۶. دوری از اضطراب، غرابت و رکاکت

یکی از معیارهایی نقد متون حدیثی، وجود اضطراب، غرابت و رکاکت در احادیث است؛ به گونه‌ای که اگر گزاره‌ای مشتمل بر این موارد باشد تضعیف می‌شود. اضطراب یعنی دوگانگی و اختلال در حدیث، چه در سند و چه در متن؛ یعنی حدیث یک‌بار به گونه‌ای و بار دیگر به گونه دیگری نقل شده باشد.<sup>۵۸</sup> مراد از غرائب، مطالب عجیب و غیرمأنوس به ذهن است به این معنی که حدیث، مشتمل بر مضامین غامض و شناخته نشده و بعید الفهم باشد. کاربرد دیگر آن در روایات شاذ و نادر است.<sup>۵۹</sup> رکاکت در لغت به معنای ضعیف و رقیق است<sup>۶۰</sup> و در اصطلاح علوم حدیث

<sup>۵۵</sup>. منطق فهم حدیث، ص ۶۷۵-۶۷۶.

<sup>۵۶</sup>. الکافی، ج ۸، ص ۲۳۴.

<sup>۵۷</sup>. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۳۸.

<sup>۵۸</sup>. رک: عدة الرجال، ج ۱، ص ۲۵۱؛ نهاية الدراية، ص ۴۳۲؛ الرعاية في علم الدراية، ص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، ص ۱۱۲؛ الرواشح السماوية، ص ۲۷۴.

<sup>۵۹</sup>. رک: معجم مصطلحات الرجال و الدراية، ص ۱۹۶.

<sup>۶۰</sup>. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۳۲.

عبارت است از: «هرگونه ضعف، کاستی و نارسایی در لفظ یا معنای حدیث در سطحی که آن را از همسانی با گفتار معصومان علیهم السلام خارج سازد.»<sup>۶۱</sup>

آیت الله خوئی روایات جمع قرآن را با معیار اضطراب، نقد کرده و قائل است که این روایات از درون، دچار تناقض هستند و این تناقض و اضطراب، موجب سلب اعتماد از آنها شده است.<sup>۶۲</sup>

معیار رکاکت، به دو قسم رکاکت لفظی و معنوی تقسیم می‌شود.<sup>۶۳</sup> نمونه برای معیار رکاکت، مانند روایتی که فضیلت عایشه بر زنان دیگر را همچون برتری آبگوشت بر سایر غذاها می‌داند<sup>۶۴</sup>، که صدور همچین روایتی از پیامبر که آیت فصاحت و بلاغت است ممکن نیست.<sup>۶۵</sup>

این معیارها مورد اتفاق محدثان در نقد متنی و محتوایی حدیث است. به جز اینها، موارد دیگری نیز وجود دارد که درباره هر یک، اختلافاتی ابراز شده است. شهرت، اجماع، علو متن، تراکم ظنون و عدم مخالفت با قواعد عمومی از آن جمله است.<sup>۶۶</sup>

بر اساس دستور اهل بیت علیهم السلام، سیره علما و محدثان آن بوده که اگر حدیثی با این معیارها توافق نداشت، مورد قبول واقع نمی‌شد. اکنون به بررسی کتب رجالی می‌پردازیم تا معلوم شود که آیا بررسی حدیث بر اساس معیارهای نقد متنی و محتوایی تاثیری در ارزیابی راویان داشته است یا نه.

## ۲. عبارات دال بر نقد متنی و محتوایی در کتب رجال

۶۱. روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۶۷۶.

۶۲. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۴۷.

۶۳. رک: روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۶۷۶.

۶۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۱۵۹؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۲۰.

۶۵. الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية، ص ۶۶۰.

۶۶. رک: الکافی، ج ۱، ص ۸-۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳؛ الفوائد الطوسية، ص ۸۳-۸۷؛ الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۹۴.

در کتب رجال، برای توثیق و تضعیف روات، از کلمات و عباراتی استفاده می‌شود که برخی از آنها اشاره به صفات راوی دارد و صاحب کتاب رجالی با دیدن راوی و یا با دریافت اطلاعات از کسانی که راوی را دیده‌اند،<sup>۶۷</sup> به توصیف وی می‌پردازد. اما برخی از تعابیر، تصریح در نقد متنی و محتوایی دارد. به این معنا که مؤلف، روایات راوی را بررسی کرده و دیدگاه خودش را با توجه به متن و محتوای احادیث وی ابراز می‌دارد.

در این قسمت، تعابیری که دلالت بر نقد متنی و محتوایی روایات راوی دارد از اصول اولیه رجالی یعنی رجال کشی، رجال طوسی، فهرست طوسی و فهرست نجاشی و همچنین رجال ابن غضائری ارائه می‌شود.<sup>۶۸</sup>

این تعابیر با مطالعه دقیق و بررسی تک تک عبارات این پنج کتاب به دست آمده و فوائد متعددی بر آن مترتب است از جمله اینکه می‌توان این تعابیر را که در واقع عبارات اصلی برای نقد متنی و محتوایی در کتب رجالی هستند در پژوهش‌های بنیادی مورد استفاده قرار داده و بر اساس آن، تحقیقات و پروژه‌های بزرگی را پایه‌گذاری کرد. فایده دیگر آن آسان نمودن تحقیقات پژوهشگران می‌باشد که دستیابی به آن را سهل نموده و راه را برای آنان هموار نموده است.

---

<sup>۶۷</sup>. البته اثبات این مطلب با توجه به فاصله زمانی بین راویان و رجالیان (شیخ طوسی، نجاشی، ابن غضائری و...) بسیار سخت است و صاحب‌نظران و محققین نیز در این مطلب تشکیک کرده و آن را نپذیرفته‌اند ولی چون محل بحث این نوشتار نیست به آن پرداخته نمی‌شود.

<sup>۶۸</sup>. خلاصه‌ای از آمار تعابیر استفاده شده در این پنج کتاب رجالی عبارت است از:

صحیح الحدیث، صحیح الروایة، صحیح الحدیث سلیمه: ۲۳؛ واضح الحدیث، واضح الروایة: ۳؛ صحیح الحکایات: ۱؛ جید الحدیث: ۱؛ حدیثه نقی لا فساد فیہ، نقی الحدیث: ۴؛ سلیم الجنبة، سالم الجنبة: ۲؛ مسکون إلی روایتہ: ۷؛ ما رأیت شیئا ینسب إلیہ تضطرب فیہ النفس: ۱؛ حدیثه فی ما رأیتہ سالم: ۱؛ أن الطعن إنما وقع علی دینہ لا علی حدیثہ: ۱؛ حدیثه قریب من السلامة: ۱؛ کل ما یرویه کذب و الکذب بین فی وجه حدیثہ: ۱؛ ما رأیت له قط روایة صحیحہ: ۱؛ لا خیر فیہ و لا فی سائر ما رواه: ۲؛ فاسد الحدیث، فاسد الألفاظ: ۴؛ لیس حدیثه بالنقی، لیس حدیثه بذاک النقی، حدیثه لیس بذلک النقی: ۴؛ متهافت، ما یسند إلیہ إلا الفاسد المتهافت: ۶؛ روی عنه أحادیث فاسدة: ۱؛ یلقى علیه الفاسد کثیرا: ۱؛ حدیثه یعرف و ینکر، یعرف حدیثه تارة و ینکر آخری، حدیثه نعرفه و نکره: ۱۸؛ مضطرب، مضطرب الحدیث، مضطرب الألفاظ، حدیثه مضطرب، مضطرب الروایة: ۱۱؛ قلیل التخلیط، مختلط الأمر فی حدیثه، مختلط: ۱۵؛ منکر الحدیث، یروی المناکیر، کثیر المناکیر، فی حدیثه مناکیر، و فی الکتاب مناکیر مشتهرة، المنکر: ۱۴؛ یروی الصحیح و السقیم: ۴؛ یروی الغرائب، کثیر التفرّد بالغرائب: ۲؛ ضعیف الحدیث: ۵؛ فی حدیثه ضعف: ۲؛ فی حدیثه بعض الشیء: ۱؛ یتساهل فی الحدیث: ۱؛ لا یکتب حدیثه: ۴؛ قلّ ما روی الحدیث إلا شادا: ۱؛ لا یونس بحدیثه: ۱؛ ما رأینا روایة تدلّ علی هذا: ۱؛ مجفوّ الروایة: ۲؛ لا یرتفع بحدیثه: ۱؛ کثیر الفوائد، کثیر الفوائد و المنافع: ۸؛ له کتاب التجمّل و المروة، حسن صحیح الحدیث: ۱؛ رأیت له کتابا فی الصلاة سدیدا: ۱؛ ردیء الأصل: ۱؛ صنّف کتابا کثیرة أكثرها علی الفساد: ۱؛ له کتاب إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر و هو کتاب ردی الحدیث مضطرب الألفاظ: ۱؛ إن هذا الکتاب کتاب ملعون فی تخلیط عظیم، کل کتبه تخلیط، أخبرنا بالنوادر ... إلا بما کان فیہ من غلو أو تخلیط، أخبرنا جماعة ... إلا ما کان فیہا من تخلیط أو غلو أو تدلیس أو ینفرد به و لا یعرف من غیر طریقہ، کتبه صحاح إلا کتابا ینسب إلیہ ترجمته تفسیر الباطن فإنه مختلط: ۲۳.



## ۲,۱. تعابیر دال بر قوّت روایات راوی

برخی از عبارات رجالیان، بر قوّت روایات یک راوی دلالت داشته و پس از آن راوی مورد توثیق قرار گرفته است؛ گویا آن دانشمند رجالی بر اساس روایات وی و ملاحظه قرائنی دیگر حکم به وثاقت راوی نموده است. تعبیرات زیر از این قرار است.

۱	صحيح الحديث <sup>۶۹</sup>	
۲	صحيح الرواية <sup>۷۱</sup>	احاديثش صحيح و سالم از آسیب‌هاست. <sup>۷۰</sup>
۳	صحيح الحديث سليمه <sup>۷۲</sup>	
۴	واضح الحديث <sup>۷۳</sup>	احاديث او يا روايات او روشن است(خالی از فساد است).
۵	واضح الرواية <sup>۷۴</sup>	
۶	صحيح الحكايات <sup>۷۵</sup>	حكايات او صحيح است.
۷	جيد الحديث <sup>۷۶</sup>	احاديثش خوب و صحيح است.
۸	حديثه نقي لا فساد فيه <sup>۷۷</sup>	احاديث او پاکیزه و بدون فساد است، احاديثش سالم است و منكرات ندارد.
۹	نقي الحديث <sup>۷۸</sup>	
۱۰	سليم الجنبه <sup>۷۹</sup>	احاديثش يا طرق احاديثش سالم است.

<sup>۶۹</sup>. رجال النجاشي، ص ۲۱، ۴۰، ۷۴، ۱۰۶، ۱۲۱، ۲۰۴، ۲۴۵، ۲۶۳، ۳۳۰، ۳۷۳، ۴۲۱، ۴۲۷، ۴۴۴؛ رجال الطوسي، ص ۱۱۵؛ فهرست الطوسي، ص ۹۱.

<sup>۷۰</sup>. نظر به اینکه هدف نوشتار حاضر، اثبات نقش نقد متنی و محتوایی در توثیق و تضعیف راویان است، لذا از تدقیق در ترجمه این عبارات و بیان تفاوت‌های احتمالی آن خودداری می‌شود.

<sup>۷۱</sup>. رجال النجاشي، ص ۹۲، ۲۵۹، ۲۷۰، ۳۹۴، ۳۹۷.

<sup>۷۲</sup>. فهرست الطوسي، ص ۵۴.

<sup>۷۳</sup>. رجال النجاشي، ص ۴۰۵.

<sup>۷۴</sup>. رجال النجاشي، ص ۳۸۸، ۳۹۶.

<sup>۷۵</sup>. همان، ص ۲۸۷.

<sup>۷۶</sup>. همان، ص ۱۸۶.

<sup>۷۷</sup>. رجال ابن الغضائري، ص ۹۳.

<sup>۷۸</sup>. رجال الكشي، ص ۶۱۵؛ رجال النجاشي، ص ۲۸۷، ۳۴۵.

<sup>۷۹</sup>. رجال النجاشي، ص ۲۱۹.

۱۱	سالم الجنبية <sup>۸۰</sup>	
۱۲	مسكون إلى روايته <sup>۸۱</sup>	روایاتش باعث سکون نفس می شود.
۱۳	مسكون إليه <sup>۸۲</sup>	
۱۴	ما رأيت شيئا ينسب إليه تضطرب فيه النفس <sup>۸۳</sup>	چیزی که باعث اضطراب نفس شود در احادیث منسوب به او ندیدم.
۱۵	حدیثه فی ما رأیته سالم <sup>۸۴</sup>	احادیث او تا جایی که من دیده‌ام سالم است.
۱۶	أن الطعن إنما وقع على دینه لا على حدیثه <sup>۸۵</sup>	طعن بر مذهبش وارد است نه بر حدیثش.
۱۷	حدیثه قریب من السلامة <sup>۸۶</sup>	حدیثش به سلامت نزدیک است.
۱۸	ما رأینا رواية تدل على هذا <sup>۸۷</sup>	ما روایتی که دال بر این مطلب باشد ندیدیم.

## ۲.۲. تعابیر دال بر ضعف روایات راوی

برخی از تعبیرات رجالیان بر بررسی متن و محتوای روایات یک راوی دلالت داشته و با توجه به ضعف احادیثش، مورد تضعیف قرار گرفته و حکم به ضعف او شده است. مهم‌ترین آن عبارات به قرار زیر است.

۱	كل ما يرويه كذب و الكذب بين في وجه حدیثه <sup>۸۸</sup>	هر چه روایت می‌کند دروغ است و دروغ بودن احادیثش در چهره احادیثش آشکار است.
۲	ما رأيت له قط رواية صحيحة <sup>۸۹</sup>	من هیچ روایت صحیحی از او ندیدم.

<sup>۸۰</sup>. فهرست الطوسی، ص ۶۷.

<sup>۸۱</sup>. رجال النجاشی، ص ۲۱۷، ۳۳۴، ۳۹۴.

<sup>۸۲</sup>. همان، ص ۳۸۳.

<sup>۸۳</sup>. رجال ابن الغضائری، ص ۹۳.

<sup>۸۴</sup>. همان، ص ۴۱.

<sup>۸۵</sup>. همان، ص ۱۱۱.

<sup>۸۶</sup>. رجال النجاشی، ص ۳۸۴.

<sup>۸۷</sup>. رجال النجاشی، ص ۳۸.

<sup>۸۸</sup>. رجال ابن الغضائری، ص ۷۸.

هیچ خیری در این حدیث و سایر آنچه او روایت کرده نیست.	لا خیر فیہ و لا فی سائر ما رواه <sup>۹۰</sup>	۳
احادیث او فاسد است.	فاسد الحدیث <sup>۹۱</sup>	۴
الفاظ او فاسد است.	فاسد الألفاظ <sup>۹۲</sup>	۵
احادیثش خالی از فساد نیست.	لیس حدیثه بالنقی <sup>۹۳</sup>	۶
	لیس حدیثه بذاک النقی <sup>۹۴</sup>	۷
	حدیثه لیس بذلک النقی <sup>۹۵</sup>	۸
ساقط و بی ارزش است؛ احادیث بی ارزش و ساقط به او نسبت داده می شود.	متهافت <sup>۹۶</sup>	۹
	ما یسند إلیه إلا الفاسد المتهافت <sup>۹۷</sup>	۱۰
از او احادیث فاسد روایت شده است.	روی عنه أحادیث فاسدة <sup>۹۸</sup>	۱۱
احادیث فاسد زیادی به او نسبت داده شده است.	یلقی علیه الفاسد کثیراً <sup>۹۹</sup>	۱۲
بعضی احادیثش معروف و بعضی منکر است. <sup>۱۰۱</sup>	حدیثه یعرف و ینکر <sup>۱۰۰</sup>	۱۳
	یعرف حدیثه تارة و ینکر آخری <sup>۱۰۲</sup>	۱۴

۸۹. همان، ص ۴۷.

۹۰. همان، ص ۶۹.

۹۱. رجال النجاشی، ص ۳۶۸؛ رجال ابن الغضائری، ص ۹۲ و ۱۱۵.

۹۲. رجال ابن الغضائری، ص ۵۲.

۹۳. همان، ص ۳۸.

۹۴. فهرست الطوسی، ص ۶۱.

۹۵. رجال النجاشی، ص ۸۸.

۹۶. رجال ابن غضائری، ص ۷۸، ۸۲، ۸۷، ۹۵.

۹۷. همان، ص ۳۸.

۹۸. همان، ص ۵۳.

۹۹. همان، ص ۷۵.

۱۰۰. رجال النجاشی، ص ۷۷؛ رجال ابن غضائری، ص ۱۱۵؛ فهرست الطوسی، ص ۵۵.

۱۰۱. رک: نکاتی از علم رجال، ص ۱۵۰.

۱۰۲. رجال ابن غضائری، ص ۳۷، ۵۰، ۵۷.

	حديثه نعرفه و نكره <sup>١٠٣</sup>	١٥
احاديث او مضطرب است. <sup>١٠٥</sup>	مضطرب <sup>١٠٤</sup>	١٦
	مضطرب الحديث <sup>١٠٦</sup>	١٧
	مضطرب الألفاظ <sup>١٠٧</sup>	١٨
	حديثه مضطرب <sup>١٠٨</sup>	١٩
	مضطرب الرواية <sup>١٠٩</sup>	٢٠
	قليل التخليط <sup>١١٠</sup>	٢١
احاديث صحيح و فاسد را مخلوط کرده است. <sup>١١١</sup>	مختلط الأمر في حديثه <sup>١١٢</sup>	٢٢
	مخلط <sup>١١٣</sup>	٢٣
	منكر الحديث <sup>١١٤</sup>	٢٤
احاديث منكر و ناپسند دارد. <sup>١١٥</sup>	يروى المناكير <sup>١١٦</sup>	٢٥
	كثير المناكير <sup>١١٧</sup>	٢٦

<sup>١٠٣</sup> . همان، ص ٨٦.

<sup>١٠٤</sup> . رجال النجاشي، ص ٣٤١، ٤٦١.

<sup>١٠٥</sup> . رك: عدة الرجال، ج ١، ص ٢٥١؛ نهاية الدراية، ص ٤٣٢؛ الرعاية في علم الدراية، ص ١٤٧ و ١٤٨؛ وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، ص ١١٢؛ الرواشح السماوية، ص ٢٧٤؛ مقياس الهداية، ج ١، ص ٢٨٦.

<sup>١٠٦</sup> . رجال النجاشي، ص ٢٦٢، ٤١٨.

<sup>١٠٧</sup> . همان، ص ٦٠.

<sup>١٠٨</sup> . رجال ابن غضائري، ص ١١٩.

<sup>١٠٩</sup> . رجال النجاشي، ص ٤١٦.

<sup>١١٠</sup> . همان، ص ٣٩٦.

<sup>١١١</sup> . رك: مقياس الهداية، ج ٢، ص ٤٥؛ عدة الرجال، ج ١، ص ٢٥١؛ سماء المقال، ج ٢، ص ٢٨٥؛ مقياس الهداية، ج ٢، ص ٤٥.

<sup>١١٢</sup> . رجال النجاشي، ص ١٧٢؛ فهرست الطوسي، ص ٣٢.

<sup>١١٣</sup> . رجال النجاشي، ص ٢٨٤، ٣٢٩؛ رجال الطوسي، ص ٧٥، ٢١٩، ٤٣٤.

<sup>١١٤</sup> . رجال ابن غضائري، ص ١١٥؛ رجال الطوسي، ص ٢٨١.

<sup>١١٥</sup> . رك: معجم مصطلحات الرجال و الدراية، ص ١٧٦.

<sup>١١٦</sup> . رجال الكشي، ص ٢٢٣، ٤٥١.

<sup>١١٧</sup> . رجال ابن غضائري، ص ٩٩.

	فی حدیثه مناکیر <sup>۱۱۸</sup>	۲۷
	فی الکتاب مناکیر مشتهرة <sup>۱۱۹</sup>	۲۸
احادیث صحیح و غیر صحیح را با هم نقل می کند. <sup>۱۲۱</sup>	یروی الصحیح و السقیم <sup>۱۲۰</sup>	۲۹
	یروی عنه الصحیح و السقیم <sup>۱۲۲</sup>	۳۰
احادیش دارای مطالب غریبه و شذوذ است. <sup>۱۲۴</sup>	یروی الغرائب <sup>۱۲۳</sup>	۳۱
	کثیر التفرّد بالغرائب <sup>۱۲۵</sup>	۳۲
احادیش ضعیف است.	ضعیف الحدیث <sup>۱۲۶</sup>	۳۳
در احادیش ضعف وجود دارد.	فی حدیثه ضعف <sup>۱۲۷</sup>	۳۴
در احادیث او بعضی از اشکالات وجود دارد.	فی حدیثه بعض الشیء <sup>۱۲۸</sup>	۳۵
در حدیث، سهل انگار است.	یتساهل فی الحدیث <sup>۱۲۹</sup>	۳۶
احادیش نوشته نمی شود و شعری از او دیدم که در آن محرمات الهی را حلال کرده است.	لا یکتب حدیثه <sup>۱۳۰</sup>	۳۷
	لا یکتب حدیثه، رأیت له شعرا یحلل فیه محرمات الله <sup>۱۳۱</sup>	۳۸
اکثر احادیش شاذ است.	قل ما روی الحدیث إلا شاذاً <sup>۱۳۲</sup>	۳۹

<sup>۱۱۸</sup> . همان، ص ۱۱۶.

<sup>۱۱۹</sup> . همان، ص ۱۱۹.

<sup>۱۲۰</sup> . همان، ص ۳۹، ۵۰.

<sup>۱۲۱</sup> . رک: معجم مصطلحات الرجال و الدراية، ص ۱۹۶.

<sup>۱۲۲</sup> . رجال ابن غضائری، ص ۱۱۷.

<sup>۱۲۳</sup> . همان، ص ۴۴.

<sup>۱۲۴</sup> . رک: معجم مصطلحات الرجال و الدراية، ص ۱۹۶.

<sup>۱۲۵</sup> . رجال ابن الغضائری، ص ۴۴.

<sup>۱۲۶</sup> . رجال النجاشی، ص ۸۰؛ رجال ابن الغضائری، ص ۲۳، ۵۶؛ فهرست الطوسی، ص ۵۷؛ رجال الطوسی، ۱۹۱، ۲۵۱.

<sup>۱۲۷</sup> . رجال ابن الغضائری، ص ۳۹، ۹۶.

<sup>۱۲۸</sup> . رجال النجاشی، ص ۲۸۴.

<sup>۱۲۹</sup> . همان، ص ۳۷۳.

<sup>۱۳۰</sup> . رجال ابن غضائری، ص ۵۲، ۹۲، ۹۴.

<sup>۱۳۱</sup> . همان، ص ۹۲.

۴۰	لا یؤنس بحدیته <sup>۱۳۳</sup>	به حدیث او نمی توان انس گرفت.
۴۱	مجفوّ الروایة <sup>۱۳۴</sup>	به روایاتش عمل نمی شود و از آن اعراض می شود.
۴۲	لا یرتفع بحدیته <sup>۱۳۵</sup>	احادیش بر احادیث دیگر مشابه مقدم نمی شود.
۴۳	قلّ ما رأیت له حدیثاً سدیداً <sup>۱۳۶</sup>	کمتر حدیث محکم و متقنی از او دیدم.

### ۲,۳. تعابیر دال بر قوت نگاهشده های راوی

گروه دیگری از تعابیر، بر بررسی کتاب های راویان دلالت دارد. در این بررسی گاهی رجالیان تشخیص داده اند که کتاب راوی، معتبر است. تعابیر زیر دال بر چنین تشخیصی است.

کتابش مشتمل بر فوائد و منافع زیادی است.	۱	کثیر الفوائد <sup>۱۳۷</sup>
	۲	کثیر الفوائد و المنافع <sup>۱۳۸</sup>
	۳	له کتاب حسن کثیر الفوائد <sup>۱۳۹</sup>
او کتابی به نام التجمّل و المروءة دارد که کتاب نیکویی است و احادیث صحیحی دارد.	۴	له کتاب التجمّل و المروءة حسن صحیح الحدیث <sup>۱۴۰</sup>
کتابی در مورد نماز دارد که محکم و متقن است.	۵	رأیت له کتاباً فی الصلاة سدیداً <sup>۱۴۱</sup>

<sup>۱۳۲</sup> . رجال النجاشی، ص ۳۱۰.

<sup>۱۳۳</sup> . رجال ابن الغضائری، ص ۵۸.

<sup>۱۳۴</sup> . رجال النجاشی، ص ۸۰؛ فهرست الطوسی، ص ۵۷.

<sup>۱۳۵</sup> . رجال ابن الغضائری، ص ۴۱.

<sup>۱۳۶</sup> . رجال النجاشی، ص ۵۶.

<sup>۱۳۷</sup> . رجال النجاشی، ص ۴۰، فهرست الطوسی، ص ۶۴، ۷۰، ۱۳۸.

<sup>۱۳۸</sup> . رجال النجاشی، ص ۳۹.

<sup>۱۳۹</sup> . همان، ص ۳۷، ۳۹، ۹۳، ۲۳۲.

<sup>۱۴۰</sup> . همان، ص ۲۰۴.

<sup>۱۴۱</sup> . رجال ابن الغضائری، ص ۵۳.

## ۲,۴. تعابیر دال بر ضعف نگاشته‌های راوی

گاهی بررسی‌ها، دانشمندان رجالی را به اینجا می‌رساند که کتاب راوی، ضعیف است. آنان این برداشت را با عبارات زیر بیان می‌کردند.

۱	ردی الأصل <sup>۱۴۲</sup>	اصل (کتاب) او دارای غلط است.
۲	صنّف کتاباً كثيرةً أكثرها علی الفساد <sup>۱۴۳</sup>	کتاب بسیاری نوشته است که بسیاری از آنها فاسد است.
۳	له کتاب إنا أنزلناه فی ليلة القدر و هو کتاب ردی الحدیث مضطرب الألفاظ <sup>۱۴۴</sup>	او کتابی به نام إنا أنزلناه فی ليلة القدر دارد که احادیث غلط و الفاظ مضطربی دارد.
۴	إن هذا الكتاب کتاب ملعون فی تخلیط عظیم <sup>۱۴۵</sup>	این کتاب، کتاب ملعونی است و پر از تخلیط است و احادیث صحیح و فاسد را با هم خلط نموده است.
۵	کل کتبه تخلیط <sup>۱۴۶</sup>	تمام کتاب‌هایش تخلیط است.
۶	أخبرنا بالنواد... إلا بما كان فیه من غلو أو تخلیط، أخبرنا بروایاته كلها إلا بما كان فیه من غلو أو تخلیط <sup>۱۴۷</sup>	از کتاب نوادرش به ما خبر داده‌اند مگر قسمت‌هایی از کتابش که دارای غلو و تخلیط بوده است.
۷	أخبرنا جماعة... إلا ما كان فیهما من تخلیط أو غلو أو تدلیس أو ینفرد به و لا یعرف من غیر طریقه <sup>۱۴۸</sup>	جماعتی، کتب او را به ما خبر داده‌اند به جز کتبی که دارای تخلیط یا غلو بوده و یا احادیث منفرد داشته است و طریق دیگری نداشته است.
۸	کتبه صحاح إلا کتاباً ینسب إلیه ترجمته تفسیر الباطن فإنه مخلط <sup>۱۴۹</sup>	کتاب او صحیح است به جز کتابی که به او نسبت داده شده و درباره تفسیر باطن نوشته شده که در آن احادیث صحیح و

<sup>۱۴۲</sup> . رجال الطوسی، ص ۳۵۲.

<sup>۱۴۳</sup> . رجال النجاشی، ص ۲۶۵.

<sup>۱۴۴</sup> . همان، ص ۶۰.

<sup>۱۴۵</sup> . همان، ص ۲۶۷.

<sup>۱۴۶</sup> . همان، ص ۴۴۸.

<sup>۱۴۷</sup> . رجال النجاشی، ص ۸۰؛ فهرست الطوسی، ص ۵۷ و ۴۱۳.

<sup>۱۴۸</sup> . فهرست الطوسی، ص ۴۱۲.

این تعابیر، به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه رجالیان، روایات و کتب راویان را بررسی می‌کردند و احادیث و نگاه‌های ایشان را اعتبارسنجی متنی و محتوایی کرده و نتیجه این بررسی را که می‌توانست خبری یا اجتهادی باشد در کتاب‌های خویش گزارش می‌نمودند. در واقع می‌توان گفت که توثیق و تضعیف راوی بر اساس روایات وی، یکی از ابزارهای اجتهاد در رجال محسوب می‌شده است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بسیار حدیث و ورود انواع آسیب‌ها و همچنین سیره عقلا و اصحاب ائمه علیهم السلام و علمای بعد از ایشان، نقد روایات، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. برای نقد روایات نیز دو روش کلی وجود دارد که عبارت است از مسلک وثوق سندی و وثوق صدوری.

در مسلک وثوق صدوری، حدیث از منظر متن و محتوا مورد نقد و بررسی قرار گرفته و با معیارهایی همچون قرآن، سنت، ضروریات دین و مذهب، عقل، قطعیات حاصل از حسّ و تجربه و تاریخ، اضطراب، غرابت، رکاکت و... سنجیده می‌شود.

با مطالعه دقیق کتب رجالی و بررسی تعابیر بیان شده ذیل راویان، ثابت می‌شود که یکی از راه‌های توثیق و تضعیف دانشمندان رجالی در کتبشان، نقد متنی و محتوایی روایات بوده است و آنها با بررسی منقولات یک راوی، او را جرح و تعدیل نموده‌اند. در واقع صاحبان کتب رجالی در اعتبارسنجی راویان، اعتبارسنجی روایات را ملاک ارزیابی قرار داده‌اند. این یعنی همان اجتهاد در رجال که علما بر آن پایبند بوده و بر اساس آن عمل نموده‌اند و سیره عملی رجالیون در استفاده از این راه، دلیل منسّد نبودن باب اجتهاد در رجال می‌باشد.



بنابراین یکی از راه‌های جرح و تعدیل راویان و صحت و ضعف احادیث، نقد متنی و محتوایی آنها می‌باشد و سیره اهل بیت علیهم السلام و اصحاب و دانشمندان نیز همین بوده است.

### پیشنهادات پژوهشی

- روش‌شناسی نقد متنی و محتوایی روایات راویان در اصول اولیه رجالی
- تحلیل لوازم نقد متنی و محتوایی روایات در کتاب‌های رجالی متأخر
- بررسی نقد متنی و محتوایی و تاثیر آن در ارزیابی راویان در سیره فقها

### کتاب‌نامه

۱. قرآن مجید؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم، دوم، ۱۳۷۳ش
۲. آداب أمير المؤمنين عليه السلام المشهور بحديث الأربعة، مهدی خدامیان آرانی، دارالحدیث، قم، اول، ۱۳۸۶ش
۳. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق
۴. البیان فی تفسیر القرآن، سیدابوالقاسم موسوی خوئی، دارالزهرا، بیروت، چهارم، ۱۳۹۵ق
۵. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، العلمیة، تهران، ۱۳۸۰ق
۶. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق حسن موسوی، دارالکتب اسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ق
۷. الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية، جعفر سبحانی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، اول، ۱۴۱۹ق
۸. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال‌الدین سیوطی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا
۹. رجال ابن غضائری، احمد بن حسین واسطی بغدادی، دارالحدیث، قم، ۱۳۶۴ش
۱۰. رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، دفتر نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۳ش
۱۱. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشی، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق
۱۲. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، دفتر نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۵ش

١٣. الرعاية في علم الدراية، زين الدين جيعي عاملي، مكتبة آية الله مرعشي نجفي، قم، ١٤٠٨ق
١٤. الرواشح السماوية، محقق داماد، دار الحديث، قم، ١٣٨٠ش
١٥. روش شناسی نقد احاديث، علي نصيري، وحى و خرد، قم، اول، ١٣٩٠ش
١٦. سماء المقال، ابوالهدى كلباسي، مؤسسه ولي عصر دراسات اسلامية، قم، ١٤١٩ق
١٧. سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد قزويني، تحقيق محمدفؤاد عبدالباقي، دارالفكر، بيروت، بي تا
١٨. الشهاب التاقب في بيان معنى الناصب، يوسف بحراني، تحقيق سيد مهدي رجائي، محقق، قم، اول، ١٤١٩ق
١٩. صحيح البخاري، محمد بن اسماعيل البخاري، دارالفكر، بي جا، ١٤٠١ق
٢٠. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج بن مسلم النيشابوري، دارالفكر، بيروت، بي تا
٢١. الصحيح من سيرة النبي الاعظم، سيد جعفر مرتضى عاملي، دار الحديث، قم، چاپ اول، ١٣٨٥ش
٢٢. عدة الرجال، محسن بن حسن حسيني اعرجي كاظمي، الهداية لحياء التراث، بيروت، ١٤١٥ق
٢٣. العدة في اصول الفقه، محمد بن حسن طوسي، تحقيق محمدرضا انصاري، ستاره، قم، ١٣٧٦ش
٢٤. فتح الباري، شهاب الدين ابن حجر عسقلاني، دارالمعرفة، بيروت، دوم، بي تا
٢٥. الفوائد الطوسية، محمد بن حسن حر عاملي، مطبعة العلمية، قم، ١٤٠٣ق
٢٦. فهرست كتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنّفين و اصحاب الاصول، محمد بن حسن طوسي، مكتبة محقق -  
الطباطبائي، قم، ١٤٢٠ق
٢٧. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، دارالكتب الاسلامية، تهران، ١٤٠٧ق
٢٨. كليات في علم الرجال، جعفر سبحاني، دفتر نشر اسلامي جامعه مدرسين، قم، ١٤١٤ق
٢٩. لسان العرب، ابن منظور، ادب حوزة، بي جا، ١٤٠٥ق
٣٠. لوامع صاحبقراني، محمد تقى مجلسي، اسماعيليان، قم، دوم، ١٤١٤ق
٣١. مجمع البيان في تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسي، ناصر خسرو، تهران، سوم، ١٣٧٢ش
٣٢. مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسي، دارالكتب الاسلامية، تهران، ١٤٠٤ق
٣٣. مسند احمد، احمد بن حنبل، دارالصادر، بيروت، بي تا

۳۴. مشرق الشمسين و اكسير السعادتین، بهائی عاملی، مكتبة بصيرتی، قم، بی تا
۳۵. مصباح الأصول، تقرير بحث آية الله خوئی، العلمية، قم، ۱۴۱۷ق
۳۶. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، احمد بن محمد فيومي، دارالهجرة، قم، دوم، ۱۴۱۴ق
۳۷. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، سيد ابوالقاسم موسوی خوئی، بی جا، پنجم، ۱۴۱۳ق
۳۸. معجم مصطلح الاصول، هيثم هلال، دارالجليل، بيروت، اول، ۱۴۲۴ق
۳۹. معجم مصطلحات الاصوليه، محمد حسيني، مؤسسة العارف، بيروت، اول، ۱۴۱۵ق
۴۰. معجم مصطلحات الرجال و الدراية، محمدرضا جديدي نژاد، دارالحديث، قم، ۱۳۸۲ش
۴۱. معجم مقاييس اللغة، احمد بن فارس، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، اول، ۱۴۰۴ق
۴۲. مقباس الهداية، عبدالله ماقاني، دليل ما، قم، ۱۳۸۵ش
۴۳. منطق فهم حديث، سيد محمد كاظم طباطبائي، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خميني، قم، اول، ۱۳۹۰ش
۴۴. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۳ق
۴۵. نکاتی از علم رجال؛ ترجمه و تحقيق مقدمه تنقيح المقال، محمد قربان زاده، بوستان كتاب، قم، ۱۳۹۰ش
۴۶. نهاية الدراية، سيد حسن صدر، تحقيق ماجد الغرباوي، مشعر، قم، بی تا
۴۷. الوافي، محمد محسن فيض كاشاني، كتابخانه امير المؤمنين عليه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق
۴۸. وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، حسين بن عبدالصمد عاملی، مجمع ذخائر اسلامية، ۱۴۰۱ق
۴۹. وبسایت دروس آية الله مددی، [www.dorous.ir](http://www.dorous.ir)

عنوان مقاله:		
نویسنده		مقاله شماره:
مرحله	تاریخ	تائید
اخذ موضوع		+
تائید پیش نویس		+
تائید تدوین اولیه		+
تائید برای نقد		+
نقد نهایی	۹۳/۳/۱۷	پس از اصلاحات دوباره ببینم.
	۹۳/۴/۱۶	+
تائید ارسال به مجله	۹۳/۶/۲۳	پس از اصلاحات برود برای مجله ان شاء الله.